



داده‌اند که مجازات سالب آزادی به دلایل ذیل از لحاظ عملی با بحران و ناکارآمدی روبه‌رو است:

۱. مجازات سالب آزادی در برآورده کردن اهدافش ارباب، بازدارندگی، پیشگیری خاص و عام، اصلاح و بازپروری مجرمان موفق نبوده است؛ زیرا آمارها نشان داده‌اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم (ارتکاب مجدد مستوجب مجازات حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان) تشکیل می‌دهند.
۲. به لحاظ برخی مشکلات و معایب وارده بر حبس و نظام زندان‌ها، استفاده از مجازات سالب آزادی به‌طور گسترده غیرضروری است. ایرادات و معایب وارده عبارت‌اند از: جرم‌زا بودن محیط زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات، هزینه اقتصادی زندان، معضلات بهداشتی موجود در زندان، تراکم جمعیت کیفری زندان و کمبود فضای مناسب، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی، از بین رفتن حس مسئولیت و تعارضات جنسی.

به باندهای فساد و انحراف و مشکلات روحی و روانی فراهم می‌گردد. از سوی دیگر، جامعه به وی به‌عنوان یک فرد عادی و مطمئن نگاه نمی‌کند و حتی ممکن است به لحاظ غیبت‌های طولانی کار و سرمایه و شغل سابق خود را از دست بدهد. همه این‌ها باعث ایجاد اختلالاتی در شخصیت زندانی باعث می‌شود که در نتیجه آن زندانی هیچ احساس تعهد و مسئولیتی را اولاً، نسبت به خانواده و ثانیاً، نسبت به جامعه نداشته باشد. پس یکی از آثار منفی و در واقع معایب زندان کمک در رسیدن به احساس پوچی و بی‌هدفی است. در همین راستا عده‌ای معتقدند از دیگر تبعات حبس این است که زندانی احساس می‌کند که در طول مدت حبس از امکانات رایگان و مجانی برخوردار می‌شود، این امر ضمن سوق دادن زندانی به تن‌پروری و بیکاری موجب از بین رفتن حس مسئولیت در وی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

امروزه آمارها و مطالعات انجام‌شده نشان

مراقبت‌های پزشکی کافی، شیوع بیماری‌های خطرناکی مثل ایدز و سوءفتارهای جنسی در زندان و سوءتغذیه است. مطالعات جرم‌شناختی به‌خصوص پژوهش‌های متمرکز بر عوامل جرم تقریباً همگی نشان می‌دهند که اختلال روانی یکی از عوامل مهم و مؤثر در وقوع جرم محسوب می‌شود. از این‌رو زندان را باید محلی برای تجمع بیماران روانی مجرم قلمداد کرد و به این ترتیب قابل پیش‌بینی است که شیوع اختلالات روانی در زندان‌ها بیش از خارج از زندان‌ها باشد، اگرچه این نکته را نیز نباید از خاطر دور کرد که همه افراد مبتلا به بیماری روانی لزوماً مجرم نیستند.

۱. از بین رفتن حس مسئولیت

زندانی به هنگام ورود به زندان یا هنگام خروج از آن ممکن است از یک سو، از طرف خانواده‌اش طرد شود که با زندانی شدن او متحمل مشکلات عاطفی، مالی و ... شده‌اند و دیگر وی را به دیده عضو خانواده قبول نداشته باشند؛ او در اثر این طردشدگی زمینه‌ها برای جذب شدن بزهکار